

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال بیست و یکم، شماره هشتاد و دوم

تابستان ۱۳۹۹

گفتمان کاوی آثار عاشورایی دکتر محمدابراهیم آیتی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۵/۲۷

تاریخ تأیید: ۱۳۹۹/۱/۳۰

محمد ولی پور^۱

طاهره عظیم‌زاده تهرانی^۲

زهرا علیزاده بیرجندی^۳

واقعه کربلا یکی از رخداد‌های مهم و تأثیرگذار تاریخ اسلام به شمار می‌آید که از سده اول هجری تاکنون، آثار گوناگونی پیرامون آن پدید آمده است. گزارش‌گران واقعه کربلا در پردازش چرایی و چگونگی حادثه، شرح احوال یاران امام حسین علیه السلام، شرح احوال دیگر کنش‌گران آن و ابعاد واقعه عاشورا، رویکردهای گوناگونی اتخاذ کرده‌اند. بررسی آثار عاشورانگاران و عاشوراپژوهان از این منظر، یکی از بایسته‌های پژوهش در دوران کنونی است. در میان گزارش‌های واقعه عاشورا در دوران معاصر، آثار عاشورایی محمدابراهیم آیتی (د. ۱۳۴۳) به دلیل توجه ویژه به تحریفات عاشورا از ابعاد گوناگون، شایسته توجه و بررسی است.

مقاله پیش رو با واکاوی مضامین عاشورایی آثار آقای آیتی به سنخ‌شناسی گفتمان‌های مطرح در آن می‌پردازد. در این روش، علاوه بر توجه بر عناصر

۱. مربی، گروه آموزش تاریخ، دانشگاه فرهنگیان، تهران: (m.valipoor@cfu.ac.ir).

۲. دانشیار گروه تاریخ و تمدن و ملل اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد: (ta_azim@yahoo.com).

۳. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه بیرجند: (zalizadehbirjandi@birjand.ac.ir).

زبانی و بافت متن، شرایط و موقعیت اجتماعی و سیاسی که متن در آن تولید شده است، تحلیل و ارزیابی می‌گردد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که از منظر سنخ‌شناختی نگرش‌های تاریخی، عاطفی، عرفانی و ماورایی در آثار عاشورا پژوهی نویسنده وجود دارد. همچنین تأکید بر بیان اسانید، توجه به عناصر مقوم شکل‌گیری رخداد‌های تاریخی شامل زمان، مکان و افراد و تسلط بر انساب سبب شده است که در آثار آیتی، گفتمان تاریخی به عنوان گفتمان مسلط مشاهده شود.

کلیدواژگان: عاشورا، عاشورا پژوهی، محمد ابراهیم آیتی، گفتمان تاریخی، تحریفات عاشورا.

۱. مقدمه

نقد و بررسی آثاری که پیرامون واقعه کربلا نوشته شده است از ابعاد گوناگونی در مطالعات تاریخ اسلام به‌ویژه عاشورا دارای اهمیت است. یکی از فواید این گونه بررسی‌های نقادانه، آسیب‌شناسی ادبیات موجود، تحلیل نگرش‌ها و گفتمان‌کاوی آثار عاشورایی است. در میان آثاری که با نگاه آسیب‌شناسانه و نقادانه پیرامون ادبیات عاشورایی نوشته شده‌اند، آثار محمد ابراهیم آیتی (د. ۱۳۴۳) شاخص به شمار می‌آیند.

دکتر محمد ابراهیم آیتی از روحانیان، مورخان و پژوهش‌گرانی است که در حوزه سیره نبوی و مطالعات تمدن اسلامی آثار ایشان مرجع هستند و آثاری چون بررسی تاریخ عاشورا، تاریخ پیامبر اسلام ﷺ، سرمایه سخن و تاریخ اندلس از جمله آنها است. دکتر محمد ابراهیم آیتی، فرزند شیخ محمد بن محمد ابراهیم بن مولی حسن بن ملا اسدالله بن حاج عبدالله بن مولی علی محمد شریف علوی، معروف به اشرف الشرفا (د. ۱۱۴۹ ق.) از علمای عصر نادر است.^۱

۱. سند شماره ۱۲۸۵۱۹، اسناد شخصی خاندان آیتی، ص ۱-۲.

او در سال ۱۳۳۳ ق. / ۱۲۹۳ ش. در روستای گازار از توابع بیرجند به دنیا آمد.^۱ وی پس از فراگیری قرآن و مطالعه کتاب‌های مذهبی و اخلاقی و متون ادبی در روستای گازار برای ادامه تحصیل عازم بیرجند شد و پس از پنج سال تحصیل در مدرسه معصومیه بیرجند برای تکمیل معلومات به مشهد مقدس عزیمت نمود و از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۹ در بیرجند به موعظه و تدریس اشتغال داشت.

پس از آن به تهران عزیمت کرد و از سال ۱۳۳۴ به تدریس در دانشکده علوم معقول و منقول پرداخت. او در سال ۱۳۴۰ از رشته معقول و منقول دانشگاه تهران به دریافت درجه دکتری نایل گردید و در تهران اقامت گزید و به فعالیت‌های علمی و اجتماعی خود پرداخت و آثار قلمی متعددی را خلق کرد.^۲ او سرانجام در سوم جمادی الآخر مطابق با ۱۷ مهر ۱۳۴۳ به سبب تصادف درگذشت و پس از تشییع در تهران به قم منتقل شد و به دستور آیت الله مرعشی در قبرستان ابوالحسینی در قطعه اختصاصی علما مدفون شد.^۳

محمدابراهیم آیتی در سه اثر به نام‌های *بررسی تاریخ عاشورا*، *گفتار عاشورا* و *سرمایه سخن* به بررسی حادثه عاشورا پرداخته است. *بررسی تاریخ عاشورا* مجموعه هفده سخنرانی است که او در رادیو ایران در سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۴۳ ایراد نمود و به وسیله علی‌اکبر غفاری گردآوری شده است. کانون محوری بحث‌های عاشورایی محمدابراهیم آیتی، افزون بر بازروایت واقعه عاشورا بر مبنای مستدل، مستند و تبیین برخی تحریف‌های این واقعه است. این ویژگی؛ یعنی بازنمایی تحریفات در کتاب *بررسی تاریخ عاشورا* در گستره‌ای وسیع از طریق ارائه تحلیل‌های منطقی و براهین با تکیه بر منابع مستند، سبک متفاوتی در واقعه عاشورا ارائه کرده است.

۱. آیتی، بهارستان، ص ۳۵۴.

۲. علیزاده بیرجندی، تاریخ برگزیدگان و مشاهیر بیرجند، ص ۱۵۸.

۳. ابوالحسن آیتی، خاطراتی از بیرجند، ص ۱۴۲.

در این راستا، مقاله پیش رو با تمرکز بر آثار دکتر محمد ابراهیم آیتی که در حوزه عاشورا نوشته شده‌اند، قصد دارد به گفتمان کاوی این آثار بپردازد. لازم به توضیح است که رویکرد گفتمانی از حدّ نوشتار و مضمون و هدف نویسنده متن فراتر می‌رود. گفتمان، شرایط اجتماعی را مطالعه می‌کند که تحت تأثیر آن یک متن خلق می‌شود و درعین حال، شرایط اجتماعی را که متن در آن تفسیر می‌شود، لحاظ می‌کند. گفتمان علاوه بر متن، زمینه‌های اجتماعی تولید، قواعد فهم و تفسیر و اثر اجتماعی آن را در بردارد. به این ترتیب گفتمان از یک سو مطالعه زبان‌شناختی نظام اجتماعی و از سوی دیگر، مطالعه جامعه‌شناسی زبان است.^۱

تحلیل‌گر گفتمان انتقادی، خود را موظف می‌کند که با استفاده از متون موجود در این رویکرد پرده از ظاهر متون بردارد و آنچه را که در پشت واژه‌ها و جمله‌ها از نگاه مردم پنهان مانده است، آشکار سازد.^۲ در این واکاوی به پاسخ‌گویی به دو پرسش می‌پردازیم؛ ۱. در آثار عاشورایی محمد ابراهیم آیتی چه گفتمان‌هایی مجال بروز و ظهور پیدا کرده است؟ ۲. گفتمان مسلط در آثار عاشورایی محمد ابراهیم آیتی چه است؟

در باب پیشینه این تحقیق، سید عبدالله حسینی در کتابی تحت عنوان *بررسی تاریخ نهضت حسینی مجموعه آثار عاشورا پژوهی محمد ابراهیم آیتی*، کتاب *بررسی تاریخ عاشورا آیتی* را تصحیح کرده است و به معرفی آثار عاشورایی آیتی پرداخته است و تحلیل‌هایی پیرامون آن ارائه کرده است.^۳

هم‌چنین در پژوهش‌های محلی، مانند کتاب *تاریخ برگزیدگان و مشاهیر بیرجند*^۴، *بهارستان*^۵ و کتاب *خاطراتی از بیرجند*^۶، شرحی مختصر درباره آثار این نویسنده با ماهیت

۱. مارش و دیگران، روش و نظریه در علوم سیاسی، ص ۱۹۵-۱۹۶.

۲. آفاکل زاده، تحلیل گفتمان انتقادی، ص ۱۵۱.

۳. حسینی، بررسی تاریخ نهضت حسینی. مجموعه آثار عاشورایی محمد ابراهیم آیتی.

۴. علیزاده بیرجندی، تاریخ برگزیدگان و مشاهیر بیرجند، ص ۷۷. ۸۵.

۵. آیتی، بهارستان، ص ۳۵۳-۳۵۴.

۶. ابوالحسن آیتی، خاطراتی از بیرجند، ص ۱۲۸-۱۳۵.

توصیفی آمده است. وجه تمایز پژوهش حاضر با آثار مذکور، بعد تحلیلی مبتنی بر گفتمان کاوی این نوشتار و تکیه بر مبانی نظری است.

در فرضیه پژوهش حاضر، فرض بر این است که گفتمان‌های تاریخی، عرفانی، ماورایی و عاطفی در آثار عاشورایی آیتی مطرح شده است، اما به نظر می‌رسد که گفتمان مسلط، گفتمان تاریخی است.

۲. تعریف مفاهیم تحقیق

گفتمان: مک دانل (۱۹۶۰م.)^۱ گفتمان را پدیده، مقوله یا جریان اجتماعی می‌داند. به تعبیر وی، گفتمان بستری است که دارای زمینه اجتماعی است.^۲ لطفی پور ساعدی^۳ که اصطلاح سخن را برای گفتمان به کار می‌برد، آن را فرآیندی می‌داند که طی آن، کلیه عوامل حاکم بر زبان در بین انسان‌ها شامل عوامل متنی، اجتماعی، فرهنگی، بین شخصی و غیره برای شکل‌گیری و تبلور پیام به تعامل می‌پردازد.^۴

میشل فوکو (۱۹۸۴م.)^۵ معنای بسیار گسترده‌ای برای گفتمان قائل است. او در دیرینه‌شناسی و تبارشناسی علوم اجتماعی و انسانی از گفتمان به عنوان مجموعه قواعد، اصول و صورت‌بندی‌هایی که به طور ناآگاهانه، علوم اجتماعی و انسانی را احاطه کرده است، یاد می‌کند.^۶ در دیدگاه فوکو، گفتمان‌ها درباره موضوعات صحبت نمی‌کنند و هویت

1. Macdonell.

۲. مک دانل، مقدمه ای بر نظریه گفتمان، ص ۵۶.

۳. استاد مرکز ارزیابی زبان اوتاوا، کانادا.

۴. لطفی پور ساعدی، درآمدی به سخن کاوی، ص ۱۱.

5. Michel Foucaul.

فیلسوف، جامعه‌شناس، مورخ و تحلیل‌گر اجتماعی فرانسه، یکی از بانفوذترین اندیشمندان پست‌مدرن و از چهره‌های اصلی تفکر در قرن بیستم است.

۶. فوکو، نیچه، تبارشناسی، تاریخ، ص ۳۷۹.

موضوعات را تعیین نمی‌کنند، بلکه سازنده موضوعات هستند و در فرآیند این سازندگی، مداخله خود را پنهان می‌کنند. گفتمان روشن می‌سازد که چه کسی در چه زمانی و با چه آمریتی صحبت می‌کند.^۱ گفتمان یکی از عناصر موجود در کار فوکو است. او درباره گفتمان می‌گوید:

یکی از زیباترین گونه اندیشیدن و تعریف کردن گفتمان این است که ما گفتمان را صرفاً به معنای گروهی از نشانه‌های زبانی و یا یک متن طولانی ندانیم، بلکه آن را به مثابه اعمالی بینگاریم که بر اثر سخن گفتن منظم درباره اشیاء باعث به وجود آمدن و شکل بخشیدن آن اشیاء می‌شود.

با این تعریف، گفتمان در نزد فوکو چیزی است که چیز دیگر (اعم از یک پاره گفته، یک مفهوم، یک اثر) را تولید می‌کند نه آن چیزی که در این جا و آن جا وجود دارد و می‌تواند به صورت جدا از هم تجزیه و تحلیل گردد.^۲

نورمن فرکلاف^۳ معتقد است، گفتمان مفهومی است که هم به وسیله نظریه‌پردازان و تحلیل‌گران اجتماعی و هم به وسیله زبان‌شناسان به کار می‌رود. در دیدگاه او، گفتمان کاربرد زبان به صورت گفتاری یا نوشتاری است. هم‌چنین، دیگر فعالیت‌های نشانه‌ای مثل تصاویر دیداری، مانند عکس و فیلم و ارتباطات غیر کلامی، مانند ژست‌ها را در بر

۱. فوکو، فرهنگ ویژه علوم اجتماعی، ص ۱۵-۳۰؛ تاجیک، گفتمان و تحلیل گفتمانی، ص ۵۳.

۲. کچوئیان، فوکو و دیرینه‌شناسی دانش، ص ۶۰.

3. Norman Fairclough.

وی زبان‌شناس و پژوهش‌گر بریتانیایی و استاد بازنشسته دانشگاه لنکستر است. فرکلاف از بنیان‌گذاران تحلیل گفتمان انتقادی به شمار می‌رود. وی نخستین کتاب خویش را با عنوان زبان و قدرت در همین زمینه نوشت.

می‌گیرد؛ یعنی همان چیزی که در زبان‌شناسی سنتی با عنوان کنش، گفتار یا همان کاربرد زبان از آن یاد می‌شود.^۱

تحلیل گفتمان (Discourse analysis) در زبان فارسی به سخن کاوی، تحلیل کلام و تحلیل گفتار نیز ترجمه شده است. یک حوزه مطالعاتی بینا رشته‌ای است که در رشته‌هایی چون زبان‌شناسی، علوم اجتماعی، علوم سیاسی، علوم ارتباطات و بسیاری از رشته‌های دیگر کاربرد دارد.^۲ در منابع مختلف درباره خاستگاه و منشأ تحلیل گفتمان، آرای مختلفی ارائه شده است. برخی آن را به زلیگ هریس (۱۹۹۲ م.)^۳ و دهه ۵۰ میلادی و عده‌ای دیگر، مانند سلطانی و یارمحمدی آن را به اوایل دهه ۶۰ و برخی به گذشته‌های دورتر و دوران ارسطو نسبت می‌دهند. به طوری که سلطانی در این باره می‌نویسد:

اگر بتوانیم خطابه را هم جزء گفتمان محسوب کنیم، منشأ تحلیل گفتمان به

نظریه‌های قدیم خطابه (ارسطو، سیسرو، لانجینوس) باز می‌گردد.^۴

یار محمدی و تاجیک، ظهور تحلیل گفتمان را به دهه ۵۰ و زلیگ هریس نسبت می‌دهند.^۵ اصطلاح گفتمان برای اولین بار در مقاله تحلیل گفتمان نوشته زلیگ هریس به کار رفت. هریس در این مقاله، دیدی صورت‌گرایانه و ساخت‌گرایانه از سازه‌های بزرگتر از جمله دارد و می‌گوید که تحلیل گفتمان نگاهی، صورت‌گرایانه به متن است. به عبارت

۱. فرکلاف، تحلیل انتقاد گفتمانی، ص ۶۲.

۲. دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۴، ص ۱۱۵۶.

3. Zellig Harris

زبان‌شناس آمریکایی و متخصص ریاضی بود. او به همراه کنت لی پایک و چارلز هاکت از برجسته‌ترین زبان‌شناسان آمریکایی بودند که روش ساخت‌گرایی را در توصیف زبان گسترش دادند. این زبان‌شناسان پیرو روش بلومفید کوشیدند تا حد ممکن بدون استفاده از معنا، اصول تجزیه و تحلیل واجی و نحوی را تدوین کنند.

۴. سلطانی، قدرت، گفتمان و زبان، ص ۲۷.

۵. یار محمدی، گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی، ص ۶۰.

دیگر، هریس که واضح این واژه است، آن را در معنای وسیعی به کار گرفته بود.^۱ هم‌چنین، استابز^۲ دیدگاهی تلفیقی ساختارگرایانه و نقش‌گرایانه از تحلیل گفتمان دارد و در این باره می‌نویسد:

تحلیل گفتمان عبارت است از تلاش‌های انجام شده در جهت مطالعه نظام زبانی فراتر از سطح جمله و گروه که مطالعه واحدهای زبانی بزرگ تری مثل تعاملات محاوره‌ای یا متون نوشتاری را در بر می‌گیرد. هم‌چنین تحلیل گفتمان با کاربرد زبان در بافت‌های اجتماعی و به ویژه با تعامل یا محاوره بین سخن‌گویان سروکار دارد.^۳

لویسون (۱۹۸۷م.) هم که دیدگاهی ساختارگرایانه دارد، تحلیل گفتمان را تحلیل متن فراتر از سطح جمله می‌داند و معتقد است:

تحلیل گفتمان، روش‌شناسی و انواع اصول نظری و مفاهیم اساسی و پایه مربوط به زبان‌شناسی را به کار می‌گیرد. تحلیل گفتمان در واقع مجموعه تلاش‌هایی است که به منظور بسط دادن تکنیک‌های موفق در زبان‌شناسی به سطح فراتر از جمله انجام می‌شوند.^۴

در واقع پس از هریس، رویکردهای مختلفی در حوزه تحلیل گفتمان شکل گرفت که رهیافت فوکو به لحاظ تأثیرگذاری از اهمیت بیشتری برخوردار است. تحلیل گفتمان به

۱. همان، ص ۶۱.

2. Stubbs.

زبان‌شناس انگلیسی که با تکیه بر گستره فرا جمله‌ای تحلیل گفتمان کوشید تا عناصر زبانی را مطالعه نماید و واحدهای زبانی، مانند تبدلات مکالمه‌ای یا متون نوشتاری را بررسی کند.

3. Stubbs Discourse Analysis: The Sociolinguistic Analysis of Natural Language 1-3.

4. Levinson Pragmatics, 286.

عنوان گرایش میان رشته‌ای (interdisciplinary) در مطالعه پدیده‌های اجتماعی به کار می‌رود و از نظر خاستگاه و بنیان‌های فکری بیش از هر چیز، وام‌دار زبان‌شناسی و نقد ادبی نو است.^۱ با توجه به این پیش‌فرض‌ها، هدف عمده تحلیل گفتمان، ارائه تکنیک جدیدی در مطالعه متون، رسانه‌ها، فرهنگ‌ها، علوم، سیاست و غیره است.

عاشورا پژوهی: عاشورا پژوهی مجموعه‌ای است که چند ساحت از اقدام و مطالعه را در بر می‌گیرد که ساحت عمده آن، حوزه نظام‌واره مسائل مربوط و مرتبط با پدیده عاشورا است که حوزه‌اشنایی با ذات پدیده، شرایط تحقق آن، عواملی که منتهی به حادثه عاشورا شدند، دیدگاه‌ها و انگیزه آفرینش‌گران حادثه عاشورا و دست‌آوردها و پی‌آمدهای آن را در حوزه‌های مختلف در بر می‌گیرد.

۳. مبانی نظری تحقیق

شالوده نظری این تحقیق بر اساس سنخ‌شناسی گفتمانی کتاب *تحول گفتمان در گزارش واقعہ کریلا* نوشته سیده رقیه میرابوالقاسمی تدوین شده است. میرابوالقاسمی در این سنخ‌شناسی، چهار گفتمان تاریخی، عاطفی، عرفانی و ماورایی را معرفی می‌کند و شاخص‌های هر یک از گفتمان‌ها را جهت بررسی تبیین می‌نماید که در این تعریف، هر یک از گفتمان‌ها و شاخص‌های آن آمده است.

۴. گفتمان تاریخی در آثار محمد ابراهیم آیتی

گفتمان تاریخی: گفتمانی است که ماهیت آن بر اساس اصالت گزارش‌ها و روایات تاریخی شکل گرفته است و بیان تاریخ و آگاهی بخشی تاریخی، هدف اصلی آن است. گفتمان تاریخی با شاخصه‌هایی چون وقایع‌نگاری، استناد، تحلیل و جهت‌گیری

۱. بهرام پور، درآمدی بر تحلیل گفتمان، گفتمان و تحلیل گفتمانی، ص ۲۲-۲۳.

سیاسی-فکری، کاربرد عنصر زمان، مکان، نام افراد و توالی رویدادها تعریف شده است.^۱ در واقع در گفتمان تاریخی کلمات و مفاهیم که اجزای تشکیل دهنده ساختار زبان هستند، ثابت و پایدار نیستند و در زمان‌ها و مکان‌های متفاوت ارتباطات آنها دگرگون می‌شوند و معانی متفاوتی را القا می‌کنند. دگرگونی این ارتباطات، زاده دگرگونی شرایط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است و چون این شرایط ثابت و پایدار نیستند، ساختار زبان نیز که توضیح دهنده این شرایط است، نمی‌تواند پایدار بماند.^۲

بنابراین گفتمان شکلی از کاربرد گفت‌وگو، اما به صورتی کلی‌تر است. بدین معنا که در گفتمان، تنها معنای ظاهری مطرح شده در گفت‌وگو نقش ندارد. بلکه شرایط زمانی، مکانی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را به صورت پنهان با خود در بر دارد. بررسی آثار محمد ابراهیم آیتی پیرامون واقعه عاشورا، وجود گفتمان‌های تاریخی، عرفانی، ماورایی و عاطفی را در آنها نشان می‌دهد. هریک از گفتمان‌های بالا در آثار عاشورایی این نویسنده، جایی به خود اختصاص داده است. در این بخش از مقاله سعی می‌شود، سهم گفتمان تاریخی و شیوه کار نویسنده در پردازش گفتمان تاریخی از طریق ارائه شواهد روشن گردد.

۵. پرهیز از اسطوره‌سازی و نقل‌های نامعتبر

آیتی بیشتر از منابع متقدمی استفاده می‌کند که به واقعه عاشورا نزدیک‌تر هستند. او از ابتدای واقعه عاشورا، روند حوادث را پی می‌گیرد و در مجموع تا پایان سفر به دمشق با رعایت توالی، وقایع را تحلیل و بررسی می‌کند و به ریشه‌یابی حادثه عاشورا از زمان

۱. میرابوالقاسمی، تحول گفتمان در گزارش واقعه کربلا با تکیه بر آثار فارسی تا نیمه اول قرن دهم هجری

قمری، ص ۱۶-۱۹.

۲. عضدانلو، گفتمان و جامعه، ص ۱۶.

خلافت عثمان می‌پردازد. مهم‌ترین منابعی که محمد ابراهیم در آثار عاشورایی خود از آنها بهره برده است به شرح جدول پایین است.

جدول شماره ۱

منابع مورد استفاده محمد ابراهیم در بررسی تاریخ عاشورا

ردیف	نام کتاب	نویسنده	قرن	ردیف	نام کتاب	نویسنده	قرن
۱	مقتل الحسین	هشام کلبی	۲ و ۳ ه. ق. ۲۰۶ د.	۹	مروج الذهب و معادن الجواهر	مسعودی	۳ و ۴ ه. ق. ۳۴۶ د.
۲	المغازی	واقدی	۳ ه. ق. ۲۰۸ د.	۱۰	مقاتل الطالبیین	ابوالفرج اصفهانی	۴ ه. ق. ۳۵۶ د.
۳	الامامة و السیاسة	ابن قتیبه دینوری	۳ ه. ق. ۲۷۶ م	۱۱	أسد الغابه	ابن اثیر	۷ ه. ق. ۶۳۰ د.
۴	بلاغات النساء	احمد بن ابی طاهر قمی	۳ ه. ق. ۲۸۰ د.	۱۲	الکامل فی التواریخ	ابن اثیر	۷ ه. ق. ۶۳۰ د.
۵	تاریخ یعقوبی	یعقوبی	۳ ه. ق. ۲۹۲ د.	۱۳	تذکرة الخواص	ابن جوزی	۷ ه. ق. ۶۵۴ د.
۶	صحیح	بخاری	۳ و ۲ ه. ق. ۲۵۶ د.	۱۴	کشف الغمة	اربلی	۷ ه. ق. ۲۹۲ م
۷	تاریخ طبری	محمد جریر طبری	۳ و ۴ ه. ق. ۳۱۰ د.	۱۵	النصایح الکافیة لمن يتولى المعاوية	سید محمد بن عقیل بن عبدالله علوی	۱۳ و ۱۴ ه. ق. ۱۳۵۰ د.
۸	الارشاد	شیخ مفید	۳ و ۴ ه. ق. ۴۱۳ د.				

در آثار محمد ابراهیم آیتی، مؤلفه‌های گفتمان تاریخی، مانند رعایت توالی زمانی رویدادها، مستندسازی، عنصر زمان و مکان دیده می‌شود.^۱ او در آثار عاشورایی خود، گفتارش را به منابع متقدم و نزدیک به واقعه عاشورا مستند می‌کند. چنان‌که از قول محمد بن جریر طبری (د. ۳۱۰ ق.) می‌نویسد:

چون عبیدالله زیاد حسین بن علی را کشت و سر امام را نزدش بردند
عبدالملک بن ابی الحارث سلمی را خواست و گفت: به مدینه میروی و بشارت
قتل حسین را به امیر مدینه عمرو بن سعید بن عاص می‌دهی.^۲

وی در استناد وقایع در موارد زیادی سعی می‌کند، سلسله راویان خبر را ارائه نماید تا میزان وثاقت و اعتبار کلام افزون گردد. برای نمونه می‌گوید:

مسعودی مطلبی می‌نویسد که من تفصیل آن را از کتاب انصایح الکافیة
لمن یتولی معاویه نقل می‌کنم.^۳

او سعی می‌کند از عنصر زمان و مکان که یکی از ملاک‌های مهم گفتمان تاریخی است به خوبی استفاده کند. چنان‌که درباره عزیمت کاروان اسرای اهل بیت علیهم‌السلام از شام به کربلا می‌گوید:

اما داستان آمدن اهل بیت از شام به طرف عراق و رسیدن آنان در اربعین
حسینی، بیستم ماه صفر به کربلا به هیچ عنوان نمی‌توان باور کرد یا سند تاریخی
برای این افسانه تاریخی به دست داد.^۴

۱. آیتی، بررسی تاریخ عاشورا، ص ۴۶، ۷۳، ۱۰۲-۱۰۴.

۲. آیتی و سبزواری، سرمایه سخن ج ۲، ص ۲۴۹-۲۵۰.

۳. آیتی، بررسی تاریخ عاشورا، ص ۴۸.

۴. همان، ص ۱۳۹.

آن گاه با دلایل تاریخی از جهت مدت زمانی که اسرا در کوفه و شام ماندند و راه موصلاتی شام به مدینه و اماکن جغرافیایی، این مسئله را رد می‌کند و در این باره می‌گوید:

حق آن است که تاریخ حرکت اهل بیت از کوفه به شام و تاریخ رسیدن به شام و تاریخ رسیدن آنها به شهر مقدس مدینه معلوم نیست.^۱

آیتی برخلاف بقیه بر اساس حدس و گمان، این احتمال را که اسرا هنگام رفتن به شام در اربعین اول به کربلا رفته باشند، مطرح می‌کند. او بر این نکته استناد می‌نماید که اسرا در روز دوازدهم محرم سال ۶۱ هجری وارد کوفه شدند و حدود یک ماه در کوفه بودند و آنها را یکی دو روز، پیش از نیمه صفر به شام فرستادند و بر این اساس می‌نویسد:

راستی اگر مدرک قابل اعتماد و استناد می‌داشتیم که اسیران اهل بیت در چهلم شهادت امام به کربلا آمدند می‌گفتیم که این امر در موقع رفتن به شام بوده است نه در موقع برگشتن.^۲

در گزارش بالا به خوبی از شاخصه‌های گفتمان تاریخی؛ یعنی عنصر زمان و مکان استفاده شده است. محمد ابراهیم در گفتمان تاریخی خود می‌کوشد از داستان‌گویی بر حذر باشد و سعی دارد از وارد شدن افسانه‌ها و گفتارهای عامیانه و بی‌اساس به ادبیات عاشورا جلوگیری کند. او در این باره می‌گوید:

با کمال تأسف از ناحیه طرف‌داران جاهل و دوست‌داران تندرو مطالبی بی‌اساس و افسانه‌های عامیانه و دروغ‌های گمراه‌کننده وارد گفته‌ها و نوشته‌های مربوط به این قسمت شده است.^۳

۱. همان، ص ۱۴۱.

۲. همان.

۳. آیتی، بررسی تاریخ عاشورا، ص ۴۶.

او درباره یکی از مطالبی که بی‌اساس می‌داند و آن را رد می‌کند، می‌گوید:
 عده‌ای می‌پندارند که امام به شهادت رسید تا گناه امت بخشیده شود، مردم
 گناه کردند و گناه خواهند کرد و کفاره‌اش را امام داد و کار درست شد. عیسی
 علیه السلام به دار رفت و مسیحیان گناه کار آسوده شدند امام حسین علیه السلام کشته
 شد و گناه کاران امت را بیمه کرد. نعوذ بالله این توجیه و این طرز فکر که شاید
 مورد پسند عوام باشد درست نقطه مقابل هدف واقعی امام علیه السلام در این
 نهضت است.^۱

او در اهتمام به رویکرد تاریخی و مستند نوشتن وقایع عاشورا به گونه‌ای مفید است که
 در این باره می‌گوید:
 یکی از بزرگترین خدمات به ساحت مقدس سالار شهیدان پاک و منزه داشتن
 تاریخ کربلاست از هرگونه دروغ و افسانه و مطلب بی‌اساس و این کاری
 نیست که انجام آن را بتوان از عوام خواست یا از مردمان کم‌سواد انتظار
 داشت.^۲

چنان که درباره مجالس عزاداری می‌گوید:
 بدانند که مجالس عزای اباعبدالله تنها موقعی باعث خشنودی خدا و قبول و
 موجب اجر و ثواب اخروی است که در حدود بندگی خدای تعالی به انجام رسد
 و مشتمل بر دروغ و خرافاتی نباشد.^۳

هم‌چنین در این باره می‌نویسد:
 عده‌ای می‌گویند امام راهی جز شهادت نداشت و دید که اگر بیعت کند و یا

۱. همان، ص ۱۱۷-۱۱۸.

۲. همان، ص ۶۴.

۳. همان، ص ۱۱۹.

بیعت نکند کشته می‌شود پس دید حالا که کشته می‌شود بهتر است آبرومندان به باشد.

او در ادامه تذکر می‌دهد:

مطلب این نیست باید با بصیرت بیشتری اوضاع آن روز مسلمین را بررسی کرد تا مطلب روشن شود که زنده ماندن دین اسلام راهی بجز شهادت امام حسین علیه السلام نداشت نه اینکه امام علیه السلام راهی جز شهادت نداشت.^۱

لازم به توضیح است که گفتمان تاریخی او با تحلیل‌های علمی و عقلانی رویدادها همراه شده است و تنها نقل تاریخ صرف نیست و شاید بهتر است که بگوییم گفتمان تاریخی - تحلیلی دارد. چنان که می‌گوید:

گرچه قرن‌هاست که کوفیان را به بی‌وفایی متهم می‌کنند. اما انصاف این است که مردم کوفه برخلاف معمول و عملی که موجب حیرت باشد انجام ندادند. هم آن نامه‌ها که نوشتند و هم آن شمشیرها که بر روی امام کشیدند. روزی که وضع آرامی داشتند امام خود را شناختند و هیچ چیز را با او برابر نمی‌دانستند اما همین مردم حق‌شناس روزی که پای امتحان به میان آمد و مسئله سود و زیان مطرح شد و راه دین و مصلحت از هم جدا شد باز همان کاری کردند که معمول غالب مردم بوده است و از حق فاصله گرفتند. راستی از مردم کوفه عجب نیست اگر خود را فدای وظیفه نکردند و کسانی که از کار کوفیان در شگفت می‌شوند باید اول خود را در همان شرایط قرار دهند. انصاف دهند که آیا همان کاری که مردم انجام دادند انجام نمی‌دادند.^۲

۱. همان، ص ۷۴-۷۵.

۲. همان، ص ۶۰.

هم‌چنین در جای دیگری درباره ورود مسلم به کوفه در تحلیلی می‌نویسد:

مسلم از راه مدینه به کوفه رفت و در خانه مختار منزل گزید شیعیان که شاید گمان می‌کردند کار به این آسانی به انجام می‌رسد و بی درد سر امام حسین علیه السلام بر یزید پیروز می‌شود و عدل و تقوی جای بیداد را می‌گیرد و درس‌های ۴۲ ساله معاویه را مردم به این راحتی فراموش می‌کنند نزد مسلم رفت و آمد می‌کردند و چون نامه امام بر آنها خوانده می‌شد اشک شوق می‌ریختند و دست بیعت به نایب خاص امام می‌دادند.^۱

بنا به گفته طبری دوازده هزار^۲ و به قول شیخ مفید هجده هزار^۳ نفر با مسلم به نیابت از امام علیه السلام بیعت کردند. به نظر می‌رسد، گفتمان محمد ابراهیم در وقایع عاشورا، بیشتر جنبه تاریخی - تحلیلی دارد که سعی می‌کند ضمن بیان کلی وقایع مهم به نقد آنها بپردازد، تحریفات را بزداید، انگیزه و اهداف قیام را تشریح کند. او درباره انگیزه قیام می‌گوید:

امام حسین در اواخر سال شصتم و اوایل شصت و یکم وضع موجود جامعه و حالت روحی و اخلاقی ملت مسلمان را چنان گرفتار انحراف و در خطر دید که راهی به اصلاح آن وضع موجود و آن فساد اجتماعی دامنگیر خطرناک جز قیام و شهادت در پیش نداشت.^۴

آیتی اگر در جایی می‌بیند که واقعیت تاریخی به درستی ارائه نشده است، ملاحظه بزرگی و جایگاه علمی اشخاص را نمی‌کند و با اصول علمی به نقد موضوع می‌پردازد.

۱. همان، ص ۵۴.

۲. طبری، تاریخ طبری، ج ۷، ص ۱۳۹.

۳. مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۶۷.

۴. آیتی، بررسی تاریخ عاشورا، ص ۸۶.

چنان که آرای سیدبن طاوس (د. ۶۶۴ق.) درباره بازگشت اسرا در اربعین به کربلا^۱ را رد می‌کند و در این باره می‌گوید:

بہتر است در ایام عاشورا و اربعین اسمی از این گونه مطالب بی‌مأخذ
برده نشود و به همانچه بوده است و روی داده است و مأخذ آن در دست ماست
اکتفا شود.^۲

هم‌چنین در این باره می‌گوید:
اصولاً این طرز فکر یعنی پذیرفتن هر مطلبی بدون هیچ گونه تحقیق و
بررسی و اظهار نظر در آن مطلب بالای تحقیق و آفت خوب فهمیدن حقایق
است.^۳

البته، پیش از آیتی، میرزا حسین نوری طبرسی (د. ۱۳۲۰ق.) در کتاب لؤلؤ و مرجان،
عقیده سید بن طاووس را درباره ورود اسرا در اربعین به کربلا به چالش می‌کشد و در این
باره می‌نویسد:

اولین کسی که بازگشت اسرا در اربعین به کربلا در حالی که جابر بن
عبدالله انصاری (د. ۷۹ق.) و عطیه بن سعد عوفی (د. ۱۱۱ق.) به زیارت آمده
بودند را نقل کرده سید بن طاووس است که در لهوف آورده است و باز خود
سید بن طاووس اولین کسی است که در کتاب اقبال الاعمال این خبر را بعید
دانسته است.^۴

آیتی در مستند نوشتن و علمی کار کردن، تقید خاصی دارد و در این باره می‌گوید:

۱. سید بن طاووس، لهوف، ص ۸۰.
۲. آیتی، بررسی تاریخ عاشورا، ص ۱۴۰-۱۴۱.
۳. همان، ص ۱۴۰.
۴. سید بن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۵۸۹.

این فکر عامیانه و جاهلانه است که هرگفته و نوشته‌ای را از هر کس و هر کتاب صحیح و بی اشکال بدانیم، راه تحقیق و اظهار نظر در مطالب تاریخی و جز آن همیشه برای اهل نظر و اهل تحقیق باز است.^۱

با توجه به این موضوع، گفتمان تاریخی آیتی در سرمایه سخن در پاره‌ای موارد که توضیح آن خواهد آمد، خدشه دار می‌شود، اما او بر رعایت ملاک‌های گفتمان تاریخی و مستند نوشتن تأکید دارد و یکی از ویژگی‌های برجسته کتاب سرمایه سخن، اسنادی بودن آن است. آیتی خطیبی بود که درخطابه‌های خویش بر حفظ موازین علمی تأکید داشت. چنان‌که در مجلس دوازدهم محرم درباره وقایع شب عاشورا می‌نویسد:

قطب رواندی از ابو حمزه ثمالی از علی بن الحسین علیه السلام روایت کرده که در شب عاشورا با پدرم امام حسین علیه السلام بودم. پس به اصحاب خود فرمود: شب تاریخ را غنیمت شمرده از این بیابان بروید. این لشکر مرا می‌خواهند و اگر مرا کشتند به دیگری التفات نکنند شما را آزاد و در وسعت گذاشتم.^۲

لازم به توضیح است که با تمام وسواس علمی و دقت آیتی در نوشتن و ترجمه آثار علمی، گاه در این اثر به منابع متأخر و غیر معتبری استناد می‌کند که اعتبار گفتمان تاریخی او را دچار خدشه می‌نمایند. به عنوان نمونه از کامل بهایی اثر حسن بن علی طبری (د. ۷۰۱ق.) و مناقب آل ابی طالب اثر محمد علی بن شهر آشوب (د. ۵۸۸ق.) در بعضی موارد استفاده می‌کند که از دقت کافی برخوردار نیستند.^۳ او درباره خروج امام از مدینه با استناد به عمادالدین طبری می‌نویسد:

حسین علیه السلام به خانه رفت و دو بست و پنجاه شتر ترتیب داد و جمله قبایل بنی

۱. آیتی و سبزواری، سرمایه سخن، ج ۲، ص ۱۴۱.

۲. همان، ص ۱۷۴.

۳. حسینی، بررسی تاریخ نهضت حسینی، ص ۳۰۹.

هاشم بجز محمد حنفیه (د. ۸۱ق.) را با خود همراه کرد و به قیس بن سعد بن عباده گفت: تو با دویست مرد از عقب من بیا. اگر کسی به طلب ما بیاید از جانبی تو و از جانبی من ایشان را در میان گیریم و جمله را بکشیم.^۱

در صورتی که قیس بن سعد بن عباده در زمان یزید در قید حیات نبوده است؛ زیرا در گذشت او را آخر دوره معاویه نوشته‌اند.^۲ هم‌چنین در پاره‌ای موارد از منابع متأخر ضعیفی، چون ناسخ التواریخ محمد تقی سپهر (د. ۱۲۹۷ق.) و نورالعین فی مشهد الحسین منسوب به ابواسحق اسفراینی (۴۱۸ق.) استفاده می‌کند. به عنوان نمونه در قضیه شهادت حر بن یزید ریاحی (د. ۶۱ق.) با استناد به نورالعین می‌نویسد:

آن گاه که او را اسیر گرفتند و نزد عمر بن سعد بردند و سرش را به امر عمر جدا کردند و نزد حسین انداختند، آن حضرت سر جدا شده حر را برداشت و پیش روی خود گذاشت و گفت رحمک الله یا حر.^۳

در صورتی که مقتل خوارزمی در این باره می‌نویسد:

آن گاه که حر به شهادت رسید اصحاب امام او را برداشتند و پیش روی امام حسین علیه السلام نهادند.^۴

لازم به توضیح است که آیتی این نقص را در کتاب بررسی تاریخ عاشورا که بعدها نوشت، بر طرف می‌کند. او در کتاب بررسی تاریخ عاشورا تلاش می‌کند از منابع دست اول یا به عبارتی متقدم و نزدیک به واقعه عاشورا استفاده کند و بیشترین تأکید او بر استفاده از منابع قرن سه و چهار هجری است. او در کتاب بررسی تاریخ عاشورا، بیشترین تأکید را بر

۱. آیتی و سبزواری، سرمایه سخن، ج ۲.

۲. ابن حجر عسقلانی، الاصابة فی تمیز الصحابة، ج ۵، ص ۳۶۱.

۳. آیتی و سبزواری، سرمایه سخن، ج ۲، ص ۴۷.

۴. خوارزمی، مقتل الحسین، ج ۲، ص ۱۴.

پیراستن واقعه عاشورا از مطالب ضعیف دارد و از آن‌جا که این اثر به جهت تقدم زمانی، پس از سرمایه سخن نوشته شده است. نویسنده بر اثر پختگی علمی با تغییر دیدگاه و با دقت بیشتری به مبارزه با تحریف‌ها و خرافه‌های موجود در روایت عاشورا می‌پردازد.^۱ بنابراین، گفتمان تاریخی او پررنگ‌تر شده است و بر دیگر گفتمان‌ها سیطره پیدا کرده است.

۶. خرافه زدایی و رفع تحریف از روایت عاشورا

در تحلیل گفتمان برخلاف تحلیل‌های سنتی زبان‌شناختی با عناصر نحوی و لغوی تشکیل دهنده جمله به عنوان عمده‌ترین مبنای تشکیل معنا؛ یعنی بافت متن سر و کار نداریم. بلکه فراتر از آن به عوامل برون‌زبانی؛ یعنی با بافت موقعیتی، اوضاع فرهنگی و اجتماعی سر و کار داریم. بنابراین تحلیل گفتمان چگونگی تبلور و شکل‌گیری معنا و پیام واحدهای زبانی را در ارتباط با عوامل درون‌زبانی واحدهای زبانی، محیط بلافصل زبانی مربوطه و کل نظام زبانی و عوامل برون‌زبانی شامل بافت اجتماعی، فرهنگی و موقعیتی بررسی می‌کند.^۲

دکتر محمد ابراهیم آیتی در مقدمه‌ای که بر کتاب سرمایه سخن نوشته است بر خرابی اوضاع فرهنگ عاشورا در عصر نوشتن کتاب تأکید دارد و خبر از تأسیس مؤسسه وعظ و تبلیغ در دانشگاه تهران می‌دهد که هدف آن تربیت مبلغان و وعاظ با آموزش علمی است.^۳ هدف نویسنده در حقیقت اصلاح وعظ و منبر بوده است که از جایگاه اصلی خود فاصله گرفته بود. وی در این اثر سعی می‌کند با ارائه هشتاد مجلس سخنرانی، چارچوب

۱. حسینی، بررسی تاریخ نهضت حسینی، ص ۲۹.

۲. تاجیک، گفتمان و تحلیل گفتمانی، ص ۲۲-۲۳.

۳. آیتی و سبزواری، سرمایه سخن، ج ۱، مقدمه.

متقن و محکمی فراروی و عاظ و علمای اهل منبر بگذارد تا از بازگو کردن مطالب خلاف واقع بپرهیزند. در جلد دوم سرمایه سخن در مجلس هشتم محرم در این باره می‌نویسد:

یکی از وظایف خطیر اجتماعی و مذهبی امر به معروف و نهی از منکر و آشنا ساختن مردم با معارف اسلامی و وظایف مذهبی از طریق وعظ و تبلیغ است. اشخاصی می‌توانند این وظیفه بسیار مهم و مقدس را عهده دار باشند که از نظر علمی و اخلاقی و اعتماد به میبادی مذهبی بر دیگران برتری داشته و با حسن بیان و قدرت ایمان خود بتوانند مردم را از گرداب مشکوک و شبهات نجات بخشیده، آنان را برای درک شهود حق و درک حقایق آماده سازند.^۱

او با مشاهده دروغ‌ها و جعل‌هایی که از بعضی وعاظ می‌دید، درصدد برآمد هم تحریف‌ها و جعل‌ها را از روضه‌ها و مجالس وعظ بزدايد و هم برای هریک از مناسبت‌ها، یک جلسه سخنرانی ارائه دهد تا الگویی برای واعظانی که بدون واسطه و با دانش کم به تبلیغ می‌پرداختند، معرفی کرده باشد. چنان‌که درباره مبلغ می‌نویسد:

کتاب شناس باشد تا از هر جنگ و دفتري، نقل حدیث و روایت تاریخ نکند و به جای ترویج دین، کارش ترویج دروغیت و خیانت با خدا و رسول نباشد و در تفسیر آیات قرآنی به تفاسیر قابل اعتماد رجوع کند.^۲

او از ضعف مطالب در منابر و خطبه‌های مذهبی شکوه می‌کند و بر لزوم آموزش علمی و طولانی سخنرانان مذهبی تأکید دارد. با توجه به تحریف‌هایی که از واقعه عاشورا در زمان او به کتاب‌ها و منابر رسوخ کرده بود و بسیاری از داستان‌ها و افسانه‌های جعلی به تاریخ عاشورا راه یافته بود و هدف عزاداری و تعزیه را از محور اصلی خود منحرف کرده بود و به گفته استاد مطهری در حماسه حسینی، تحریف‌های واقعه عاشورا از نظر لفظی و

۱. آیتی و سبزواری، سرمایه سخن، ج ۲، ص ۱۱۹.

۲. همان، ص، ۱۲۳.

معنوی در بین مردم رواج یافته بود^۱، محمد ابراهیم آیتی بر آن شد تا با تحریف‌ها و افسانه‌گویی‌های مربوط به واقعه عاشورا مبارزه کند. ورود تحریف به مبحث تاریخ عاشورا، سابقه‌ای طولانی دارد و شاید بتوان گفت که از روز اول، شروع شده است. چنان‌که یزید بن معاویه (حک. ۶۰-۶۴ق.) در ابلاغیه حکومت عبیدالله بن زیاد (د. ۶۷ق.) می‌نویسد:

مسلم پسر عقیل به کوفه آمده است و هدفش اخلال و افساد و ایجاد اختلاف میان مسلمانان است. پس برو و او را سرکوب کن.^۲

محمد ابراهیم آیتی هم در دهه سی و چهل به نگارش کتاب‌های سرمایه سخن، بررسی تاریخ عاشورا و گفتار عاشورا پرداخت تا تحریف را از روایت عاشورا بزدايد. به نظر می‌رسد، او علاوه بر این که در این زمینه احساس تکلیف می‌کرد، شیوه کار استادش، محمد باقر بیرجندی صاحب کبریت/حمر بر او مؤثر واقع شده بود. محمد ابراهیم آیتی، برادرزاده محمد باقر بیرجندی و شاگرد و داماد او بود. محمد باقر بیرجندی (آیتی) در کتاب کبریت/حمر درباره شرایط منبر، دیدگاهی انتقادی به وقایع عاشورا دارد و سعی می‌کند دروغ‌ها و خرافه‌ها را از واقعه عاشورا بزاید. او در این باره مبسوط بحث نمی‌کرد اما سعی می‌نمود که خرافه زدایی کند. در هر صورت، انگیزه اصلی او از نگارش آثار عاشورایی، مبارزه با تحریف‌ها و خرافه‌های واقعه عاشورا بوده است.

۷. گفتمان ماورایی در آثار عاشورایی محمد ابراهیم آیتی

یکی دیگر از شیوه‌های گفتمانی که در آثار آیتی مورد استفاده قرار گرفته است، توجه به گفتمان ماورایی است. از بعد بنیان‌های فکری، آرایبی که در تکوین تحلیل گفتمان ماورایی نقش داشته‌اند به دلیل تنوع و توجه به عوامل فرازبانی و بافت موقعیتی در کشف معانی و ابهام‌زدایی این آثار مؤثر واقع شده‌اند. در گفتمان ماورایی بر اصالت عوامل غیرمادی و

۱. مطهری، حماسه حسینی، ج ۱، ص ۵۹-۶۱.

۲. همان، ج ۱، ص ۷۸.

ماوراء الطبیعی در بروز یک رویداد تأکید شده است. این گفتمان دارای وجوه مشترکی با گفتمان‌های عاطفی و عرفانی است. داستان‌پردازی و برقراری ارتباط مؤثر با اذهان عمومی وجوه اشتراک آن با گفتمان عاطفی و دور کردن مخاطب از حقیقت تاریخی وقایع و القای تقدیرگرایی وجوه اشتراک آن با گفتمان عرفانی است. شاخص‌های این گفتمان، پیش‌گویی، تقدس روز عاشورا و یا سوگواری کائنات، کرامات و معجزه است.^۱

با توجه به آنچه در مباحث گفتمان تاریخی آمد، محمد ابراهیم آیتی در آثار عاشورایی خود تلاش می‌کرد سند گفته‌های خویش را بیان کند، اما این به آن معنی نیست که نمودهایی از دیگر گفتمان‌ها در آثار عاشورایی او وجود ندارد. در موارد متعدد، گفتمان‌ها حالت ماورایی پیدا می‌کنند که گویا او از نویسندگان گذشته متأثر شده است. ورود گفتمان ماورایی کربلا در میان کتاب‌های شیعه از زمان ابن اعثم کوفی (د. ۳۲۰ ق.م) در الفتوح دیده می‌شود.^۲

چنان‌که به جریان خواب امام حسین علیه السلام در کنار قبر جدش، رسول الله صلی الله علیه و آله اشاره دارد و در واقع به حرکت امام علیه السلام جنبه غیبی می‌دهد، اما این گفتمان در اواخر قرن شش هجری، نمود بیشتری پیدا کرد و توسعه یافت.^۳ عمادالدین طبری از نویسندگان قرن شش و هفت هجری است که *تحفة الابرار فی مناقب ائمة اطهار* را با محوریت گفتمان ماورایی تدوین کرده است.^۴ او تقدس خاک کربلا را از ابتدای آفرینش مطرح می‌کرد.

۱. میرابوالقاسمی، تحول گفتمان در گزارش واقعه کربلا با تکیه بر آثار فارسی تا نیمه اول قرن دهم هجری قمری، ص ۱۹.

۲. ابن اعثم کوفی، الفتوح، ج ۵، ص ۷۱.

۳. میرابوالقاسمی، تحول گفتمان در گزارش واقعه کربلا با تکیه بر آثار فارسی تا نیمه اول قرن دهم هجری قمری، ص ۸.

۴. همان، ص ۱۹.

گفتمان ماورایی در موارد چندی در آثار عاشورایی محمد ابراهیم آیتی به چشم می‌خورد، او در بسیاری موارد، ابتدا با گفتمان تاریخی بحث‌های مربوط به عاشورا را شروع می‌کند و به سبکی ماهرانه با دیدگاهی جامعه‌شناسانه که قصد به تصویر کشیدن اوضاع سیاسی-اجتماعی جامعه اسلامی آن روز را دارد به سمت و سوی گفتمان ماورایی پیش می‌رود. چنان‌که می‌گوید:

امام حسین علیه السلام هنگامی که از مکه قصد عزیمت به کوفه را دارد ضمن ایراد خطبه‌ای می‌فرماید: «وَ حَبِیرَ لَیْ مِصْرَ عَ اَنَا لَاقِیْهِ» برای من از طرف خداوند مصرعی یعنی شهادتگاهی برگزیده شده و من رو به آن جا می‌روم.^۱

او در ادامه این عبارت می‌گوید:

از این جمله باید فهمید که این نقشه‌خداایی است و نقشه‌ای نیست که با دست حسین بن علی علیه السلام طراحی شده باشد. یعنی خدای جهان از آغاز برای چنین انحرافی و در چنین فساد و اجتماع خطرناکی، برای این وضع ناهنجار و نامساعد رسم شهادت و راه جانبازی را بر عهده من نهاده است.^۲

یا در جای دیگر می‌نویسد:

هنگامیکه عمر سعد در عصر تاسوعا گفت: ای سواران خدا سوار شوید و بدانید که جای شما بهشت است، امام علیه السلام در جلوی خیمه دست به شمشیر گرفته و سر به زانو گذاشته و بخواب رفته بود که ناگاه هیاهوی سپاه نزدیک شد و زینب کبری (س) سراسیمه نزد برادر دوید و گفت مگر هیاهوی سپاه را نمی‌شنوی که نزدیک شده است. امام علیه السلام سر از زانو برداشت و گفت هم‌اکنون رسول خدا را بخواب دیدم که گفت تو نزد ما می‌آیی زینب با شنیدن این سخن لطمه بر

۱. آیتی، بررسی تاریخ عاشورا، ص ۸۱.

۲. همان.

صورت زد و گفت ای وای^۱، یعنی می‌خواهد بگوید که این حرکت و اقدام از قبل رقم خورده است و اصلاح فساد موجود در جامعه به جز با شهادت من امکان پذیر نیست.

و یا در سرمایه سخن می‌نویسد:

هنگام خداحافظی امام حسین علیه السلام با برادرش محمد حنفیه به او فرمود:

«دیشب که از تو جدا شدم رسول خدا نزد من آمد و فرمود یا حسین خارج شو

که خداوند می‌خواهد تو را کشته ببیند»^۲.

این گفتمان با توجه به این که نوعی تقدیرگرایی را مطرح می‌کند و یا از طریق خواب و ورای این جهان به واقعه طف می‌نگرد، گفتمانی ماورایی است. هم‌چنین، درباره آمدن حر بن یزید ریاحی نزد امام علیه السلام می‌نویسد:

همان دست غیبی که پیوسته بر سینه نامحرمان کوفته می‌شود و آنان را از

حریم قدس شهادت دور می‌کند مردانی را از گوشه و کنار به حوزه شهادت

می‌کشاند.^۳

کار حر را به دست غیبی نسبت می‌دهد و یا هنگامی که حضرت زینب علیها السلام و امام زین العابدین علیه السلام در کوفه خطبه می‌خوانند. خطبه خواندن را دنباله نقشه غیبی خداوند می‌داند و می‌گوید:

مردم احتمال نمی‌دادند که این گفتارها دنباله همان نقشه خدایی است^۴ که

سهمی است که این دو برعهده دارند.

۱. همان، ص ۱۰۴.

۲. آیتی و سبزواری، سرمایه سخن، ج ۲، ص ۳۲.

۳. آیتی، بررسی تاریخ عاشورا، ص ۱۰۱.

۴. همان، ص ۱۲۹.

و یا آن‌جا که می‌نویسد:

هنگامیکه ابن زیاد با چوب بر دندان‌های امام حسین علیه السلام می‌زد و می‌خندید
 نمی‌دانست که خدا مردی را برای این روز در کوفه ذخیره کرده است و او را به
 مجلس ابن زیاد آورده تا او را رسوا کند.^۱

و یا درباره به اسارت بردن بازماندگان کربلا می‌گوید:

این هم کار خدا بود که دشمن خود، با زور و جبر، مبلغان توانایی به عنوان
 اسیری ببرد تا در شهرها بگردند و به آنها فرصت دهد که برای مردمی که
 تماشاگر اینها هستند سخن بگویند و خود را به آنها معرفی کنند.^۲

او برای این که آگاهی و توجه بیشتری به مخاطبان خود دهد، گاهی گفتمان ماورایی را
 به سمت و سوی عاطفی می‌کشاند.

۸. گفتمان عاطفی در آثار محمد ابراهیم آیتی

گفتمان عاطفی: گفتمانی است که برجسته‌سازی وجه یا وجوه عاطفی یک رویداد (بیشتر
 حوادث غم‌انگیز) محوری‌ترین رویکرد آن را شکل می‌دهد. این گفتمان با شاخص‌هایی
 چون ابراز انزجار، اندوه، ایثار، پاداش، عقوبت اخروی و دنیوی، تشنگی، تنهایی، غربت،
 گریستن و داستان‌پردازی تبیین شده است.

در بیان واقعه عاشورا در آثار محمد ابراهیم آیتی، افزون بر گفتمان تاریخی - تحلیلی
 در بعضی موارد، گفتمان عاطفی هم دیده می‌شود. او گاهی در سخنان خود برای آگاهی
 بیشتر مخاطب، از احساسات و عواطف هم بهره می‌برد. در واقع، او در بیان حوادث به

۱. همان، ص ۱۶۹.

۲. آیتی، بررسی تاریخ عاشورا، ص ۱۲۳.

برجسته‌سازی وقایع دست زده است در حقیقت برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی سازوکار مشترک حاکم بر کلیه کردارها و رفتارهای گفتمان‌های سیاسی است.

برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی شیوه‌ای برای حفظ و استمرار قدرت است. بدین طریق، قدرت هم به تولید معنا می‌پردازد و هم با به کارگیری ابزارهای انضباط و انقیاد دشمن و غیر را حذف و طرد می‌کند. به کمک همین سازوکار است که قدرت پس یک گفتمان با تأثیرگذاری بر ذهن سوژه‌ها اقدام به تولید اجماع و تعریف نشانه‌ها به شیوه‌های خاص می‌کند و در واقع مدلول خاصی را به دال مرکزی گفتمانی می‌چسباند و آن را هژمونیک می‌کند و هم‌زمان سعی می‌کند با ساختارشکنی دال مرکزی گفتمان رقیب، مدلولش را از دالش جدا کرده و هژمونی‌اش را بشکند. در حقیقت، برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی با تولید اجماع چهره قدرت را طبیعی جلوه می‌دهد و آن را از نظرها پنهان می‌کند. آن‌جا که می‌گوید:

امام علیه السلام در صبح روز عاشورا خطبه‌ای در نهایت بلاغت و فصاحت ایراد کرد که گویی همه سپاه دشمن از ارادتمندان او هستند و برای یاری وی فراهم شده‌اند، با اینکه این خطیب و سخنران می‌داند که او را می‌کشند و بعد از این خطبه‌ها و سخنرانی‌ها با سی هزار نیزه بر او می‌تازند، خطیبی که تشنه است و قطره آبی در اختیار او نیست که لب‌تر کند، خطیبی که می‌داند زنان و فرزندان او ساعتی بعد به دست دشمنان گستاخ و بی‌عاطفه اسیر می‌شوند، خطیبی که قطعاً غذای کافی نخورده و گرسنه است، هرچند روز عاشورا روی حمیت و فتوت اظهار گرسنگی نکرد و فقط اظهار تشنگی می‌کرد.^۱

این‌جا گفتمان او جنبه عاطفی پیدا می‌کند و در ادامه می‌نویسد:

۱. آیتی، بررسی تاریخ عاشورا، ص ۱۱۱.

در کجای تاریخ بشر می‌توان این چنین خطیب و سخنوری پیدا کرد؟ خطیب پر و بال شکسته، خطیب بی‌کس و تنهایی که وضع موجود در وضع خطابه او هیچ تأثیر نکند و آن همه موجبات ناراحتی و نگرانی و پریشانی، آرامش روحی او را به هم نزنند.^۱

اصطلاحاتی چون پر و بال شکسته، پریشانی و تشنگی که از شاخص‌های گفتمان عاطفی است در این گزارش به کار رفته است. هم‌چنین، او در جای دیگری می‌گوید:
 امام می‌خواست عاطفه دینی سپاه عمر سعد را تحریک کند قرآنی روی سر گذاشت و گفت قرآن بین من و شما حکم کند.^۲

این سخن هم گفتمان عاطفی است. نوعی دیگر از گفتمان عاطفی که در نوشته‌های محمد ابراهیم می‌توان دید در بیان وقایع عصر روز عاشورا است. او می‌گوید:
 دشمنان امام حسین علیه السلام تا توانستند پس از شهادت شهیدان و تمام شدن کار، هرزگی کردند. بدن شهدا را لخت کردند، لباس‌ها را به غارت بردند، به خیمه‌ها ریختند و اثاث اهل بیت را غارت کردند، خیمه‌ها را آتش زدند خواستند بیمار را در بستر بیماری بکشند. بدن‌ها را زیر سم اسب‌ها انداختند و لگدکوب کردند سرها را بالای نیزه برافراشتند. با اسیران داغ‌دیده تندی و درشتی کردند بر لب‌ها و دندان‌های امام علیه السلام چوب زدند.^۳

هم‌چنین می‌نویسد:

رباب از امام حسین علیه السلام دختری داشتند به نام سکینه و پسری به نام عبدالله

۱. همان، ص ۱۱۲.

۲. آیتی، گفتار عاشورا، ص ۲۷.

۳. همان، ص ۱۲۴.

که پسر شیرخوار روز عاشورا شهید شد و دختر با مادرش به اسیری رفت.^۱

او در ادامه می‌نویسد:

هنگامی که سر امام حسین را نزد ابن زیاد نهادند رباب از میان زنان برخاست

وسر حسین را بغل کرد و مرثیه سرایی کرد.^۲

در گزارش‌های بالا، ملاک‌های گفتمان عاطفی نمود بیشتری دارد. او در نقل این وقایع از منابع متقدم استفاده می‌کند، ولی آن عشق و ارادتی که به خاندان اهل بیت علیهم‌السلام دارد سبب می‌شود که گفتمان او رنگ عاطفی بگیرد، اما او سعی می‌کند که از گزاره گویی بپرهیزد و از مدار واقعیت‌ها خارج نگردد.

۹. گفتمان عرفانی در آثار عاشورایی محمد ابراهیم آیتی

گفتمان عرفانی: گفتمانی است با رویکرد شهودی که کفه حوادث و رویدادهای این جهانی را در ماهیت آن جهانی و معنوی با یک تفسیر قدسی جست‌وجو می‌کند. گفته می‌شود شاخص‌های گفتمان عرفانی ابتلا و آزمایش الهی، تکامل معنوی، عشق، نزاع حق و باطل، نفی غم و وصال الهی است.^۳

در آثار و نوشته‌های عاشورایی محمد ابراهیم آیتی، گفتمان عرفانی هم دیده می‌شود، اما نه به شدت گفتمان تاریخی. او در موارد نادری از گفتمان عرفانی استفاده می‌کند. اصطلاحاتی چون جانبازی، لقای پروردگار، شوق و اشتیاق به شهادت در آثار او به کار رفته است که حکایت از گفتمان عرفانی دارد. چنان که می‌نویسد:

امام در خطبه مکه فرمودند: هرکس خونتش را در راه قیام می‌بخشد و هرکس

۱. آیتی، بررسی تاریخ عاشورا، ص ۱۵۷.

۲. همان، ص ۱۵۷.

۳. میر ابوالقاسمی، تحول گفتمان در گزارش واقعه کربلا با تکیه بر آثار فارسی تا نیمه اول قرن دهم هجری قمری، ص ۱۸.

آمادگی دارد که بر خدای متعال وارد شود با ما حرکت کند.^۱

یا در کتاب سرمایه سخن چنین می‌آورد:

امام حسین علیه السلام در شب عاشورا فرمود بیعت خود را از شما برداشتم به هر کجا می‌خواهید بروید. شما فردا کشته می‌شوید و یک نفر زنده نخواهید ماند. یاران امام گفتند: شکر خدا را که راه سعادت ما را هموار ساخت و شهادت با تو را که بالاترین شرافت است به ما روزی کرد.^۲

هم‌چنین در جای دیگری می‌نویسد:

هنگامی که امام حسین با سپاه حرین یزید ریاحی روبرو شدند ضمن ایراد خطبه‌ای فرمودند در چنین وضعی مرد با ایمان باید آرزومند مرگ باشد و این وضع اسفناک مؤمن را عاشق شهادت و تقای پروردگار می‌سازد.^۳

در بیان گفت‌وگوی امام علیه السلام در شب عاشورا با یاران خود، جنبه‌های عارفانه گفتمان آیتی جلوه ویژه‌ای پیدا می‌کند اما او باز هم تلاش می‌نماید که چیزی به جز از منابع دست اول نقل نکند و از فضایل گویی پرهیز کند. بیان جملات کوتاه ولی پرمعنا و نغز یاران امام در شب عاشورا، تجلی گفتمان عرفانی را در پژوهش‌های آیتی نشان می‌دهد. جمله‌هایی چون سخن قاسم بن حسن که گفت: مرگ در کام من از غسل شیرین‌تر است^۴ و یا جمله سعید بن عبدالله حنفی که گفت: به خدا قسم! اگر کشته شوم و سپس زنده شوم، باز مرا به آتش بسوزانند، آن‌گاه خاکسترم را بر باد دهند و هفتاد بار این کار بر سرم آید از تو جدا

۱. آیتی، گفتار عاشورا، ص ۲۵.

۲. آیتی و سبزواری، سرمایه سخن، ص ۱۷۰-۱۷۱.

۳. آیتی، بررسی تاریخ عاشورا، ص ۹۵.

۴. همان، ص ۱۰۷.

نخواهم شد تا در این راه به شهادت برسم^۱ و یا جمله عمرو بن قرظه انصاری در حال جان دادن که گفت: ای فرزند رسول خدا! آیا آنچه بر عهده من بود، وفا کردم^۲ بیان گر گفتمان عرفانی آیتی هستند، اما اینها مطلبی نیست که او در آن غلو کرده باشد. بلکه او همه را مستند و از منابع دست اول نقل کرده است.

۱۰. نتیجه

گفتمان شکلی از کاربرد گفت‌وگو، اما به صورتی کلی‌تر است. بدین معنا که در گفتمان، تنها معنای ظاهری مطرح در گفت‌وگو نقش ندارد. بلکه شرایط زمانی، مکانی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را به صورت پنهان با خود در بر دارد. تحلیل محتوایی و سنخ‌شناسانه آثار محمد ابراهیم آیتی، پیرامون واقعه کربلا نشان می‌دهد که گفتمان‌های تاریخی، ماورایی، عاطفی و عرفانی در آثار او ظهور پیدا کرده است، اما میزان استفاده از گفتمان ماورایی، عاطفی و عرفانی در آثار او کم رنگ‌تر است.

گفتمان تاریخی با شاخصه‌هایی چون وقایع‌نگاری، استناد، تحلیل، جهت‌گیری سیاسی-فکری، کاربرد عنصر زمان، مکان، نام افراد و توالی رویدادهایی که در حوادث نقش آفرین بوده‌اند به وضوح دیده می‌شود. این امر حکایت از برتری گفتمان تاریخی در آثار آیتی دارد و نشان می‌دهد که در نوشته‌های عاشورایی محمد ابراهیم آیتی، گفتمان تاریخی جلوه ویژه و برجستگی خاصی دارد. آیتی با پرهیز از نقل مطالب بی‌اساس، افسانه‌های عامیانه، دروغ‌های گمراه‌کننده و افزودن تحلیل‌های عقلی و علمی بر استحکام متن و کلام خود افزوده است. همه این ویژگی‌ها سبب شده است که برخی از پژوهش‌گران تاریخ اسلام از او به عنوان مورخی بی‌مانند و مسلط یاد کنند.

۱. همان، ص ۱۲۶.

۲. همان، ص ۱۲۷.

یکی از دلایل پر رنگ بودن گفتمان تاریخی در آثار عاشورایی محمد ابراهیم آیتی، تسلط او بر نسب شناسی بوده است. او نسبت به شخصیت‌های تاریخ اسلام، شناخت کافی داشته است و به گفته مطهری، تک‌تک شخصیت‌های صدر اسلام را با نام پدر و قبیله آنها می‌شناخته است. حضور آیتی در مجامع علمی، چون انجمن مهندسان و تدریس در فضای دانشگاهی و ارائه سخنرانی‌های مذهبی در انجمن ماهانه دینی و پخش آن از رسانه ملی رادیو ایران بر مستند و علمی گفتن و نوشتن او بی‌تأثیر نبوده است.

آیتی تلاش کرده است، جنبه اسنادی آثار عاشورایی او حفظ شود و بدون بیان سند سخنی نگوید، اما عشق و ارادتی که به اهل بیت علیهم‌السلام داشته است، او را به سمت گفتمان عاطفی و عرفانی به ویژه ماورایی سوق داده است. با این حال، مطلبی خارج از منابع نگفته است و غلو ننموده است. در بعضی موارد از منابع غیر معتبر متأخر بهره برده است که ارزش گفتمان تاریخی او را زیر سؤال می‌برند، اما در مجموع در آثار عاشورایی او سیطره با گفتمان تاریخی است که تحلیل‌های ارزشمندی را به آن افزوده است و همه جانبه به واقعه عاشورا نگریسته است.

منابع

۱. آقا گل زاده، فردوس، تحلیل گفتمان انتقادی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۵.
۲. آیتی، محمد ابراهیم، گفتار عاشورا، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۴۱.
۳. _____، بررسی تاریخ عاشورا، تهران: نشر صدوق، ۱۳۷۲.
۴. آیتی، محمد ابراهیم و سبزواری، سید محمد باقر، سرمایه سخن، ج ۱ و ۲، تهران: اندیشه مولانا، ۱۳۸۸.
۵. آیتی، محمدحسین، بهارستان در تاریخ تراجم و رجال قائنات و قهستان، مشهد: دانشگاه فردوسی، ۱۳۷۱.
۶. آیتی، ابوالحسن، خاطراتی از بیرجند و رویدادهای سیاسی، تهران: موفق، ۱۳۷۶.
۷. ابن اعثم کوفی، ابو محمد احمد، الفتوح، تحقیق علی شیری، بیروت: دارالضواء، ۱۴۱۱ق.
۸. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الاصابة فی تمییز الصحابة، ج ۵، تحقیق عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۹۵۵م.
۹. ابن طاووس، علی بن موسی، لهوف، قم: انتشارات دلیل ما، ۱۳۸۱.
۱۰. بیرجندی، محمداقبر، کبریت احمر فی شرایط منبر، قم: نغمه قرآن، ۱۳۹۴.
۱۱. بهرام پور، شعبانعلی، «درآمدی بر تحلیل گفتمان»، گفتمان و تحلیل گفتمانی (مجموعه مقالات)، به اهتمام محمد رضا تاجیک، تهران: فرهنگ گفتمان، ۱۳۷۹.
۱۲. حسینی، سید عبدالله، «بررسی تاریخ نهضت حسینی»، مجموعه آثار عاشورایی دکتر محمد ابراهیم آیتی، قم: دارالعرفان، ۱۳۹۲.
۱۳. تاجیک، محمد رضا، گفتمان و تحلیل گفتمانی، تهران: انتشارات فرهنگ گفتمان، ۱۳۷۹.
۱۴. _____، «گفتمان، سیاست و اجتماع»، فصلنامه گفتمان، ۱۳۸۲، شماره ۸.
۱۵. خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، ج ۲، تحقیق شیخ محمد سماوی، قم: انوارالمهدی، ۱۴۱۸ق.
۱۶. دایرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران: بنیاد دایرة المعارف اسلامی، ۱۳۶۲.
۱۷. سلطانی، علی اصغر، قدرت، گفتمان و زبان، تهران: نشر نی، ۱۳۸۴.
۱۸. طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۲، ترجمه ابوقاسم پاینده، تهران: اساطیر، ۱۳۵۲.
۱۹. عضدانلو، حمید، گفتمان و جامعه، تهران: نشر نی، ۱۳۸۰.
۲۰. علیزاده بیرجندی، زهرا، تاریخ برگزیدگان و مشاهیر بیرجند، بیرجند: رزقی، ۱۳۸۲.

۲۱. فرکلاف، نورمن، تحلیل انتقادی گفتمان، ترجمه فاطمه شایسته پیران و دیگران، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۷۹.
۲۲. فوکو، میشل، نیچه، تبارشناسی، تاریخ، ترجمه نیکو سرخوش و افشین، تهران: نشر نی، ۱۳۸۴.
۲۳. کچوئیان، حسین، فوکو و دیرینه‌شناسی دانش: روایت تاریخ علوم انسانی از نوزایی تا مابعد التجدد، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۲.
۲۴. مفید، محمد بن نعمان، الارشاد، ج ۲، ترجمه امیر خانبلوکی، قم: تهذیب، ۱۳۹۵.
۲۵. مطهری، مرتضی، حماسه حسینی، ج ۱، تهران: صدرا، ۱۳۸۵.
۲۶. مک دانل، دایان، مقدمه‌ای بر نظریه گفتمان، ترجمه حسین علی نوذری، تهران: انتشارات فرهنگ گفتمان، ۱۳۸۰.
۲۷. میرابوالقاسمی، سیده رقیه، تحول گفتمان در گزارش واقعه کربلا با تکیه بر آثار فارسی تا نیمه اول قرن دهم هجری قمری، قم: سمت، ۱۳۹۳.
۲۸. نوری طبرسی، میرزا حسین، لؤلؤ و مرجان، تهران: انتشارات فراهانی، ۱۳۸۸.
۲۹. لطفی پور ساعدی، کاظم، «درآمدی به سخن کاوی». مجله زبان‌شناسی، ۱۳۷۱، سال ۹، شماره ۱.
۳۰. یارمحمدی، لطف الله، گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی، تهران: هرمس، ۱۳۸۳.
۳۱. سند شماره ۱۲۸۵۱۹، اسناد شخصی خاندان آیتی، بیرجند، کتابخانه نابغ آیتی.
32. Stubbs, Michael. (1983). *Discourse Analysis: The Sociolinguistic Analysis of Natural Language*. Oxford: Basil Blackwell
33. Levinson, S. C. (1983). *Pragmatics*. Cambridge: Cambridge University pres.